

۱۰ **سلام به صلح | غلامرضا امامی**

۱۲ **جنگ و صلح | احمد اکبرپور**

۱۰ **به من بگو جنگ چیست | شادی خوشکار**

۱۱ **کالبدشکافی مفهوم صلح در ادبیات کودک و نوجوان**

برخی از مفاهیم جز در تقابل با مفاهیم متضاد خود به خوبی شناخته نمی‌شوند. چون تاریکی در برابر روشنائی، سیاهی در برابر سپیدی...



۱۰ **کتابی بردارید اگر می‌خواهید تفنگی بر زمین نهاده شود**

گاهی فکر می‌کنم کائن سیاستمدارهای دنیا به جای این‌که بروند در جلسه‌های مهم چندساعته بنشینند و به خیال خودشان مسائل دنیا را حل و فصل کنند...

نگاهی به صلح و جنگ در کتاب‌های کودکان

قصه‌هایی برای صلح



کتابخانه آرتیست MAD مجله آرتیست تغییر نام از Peace Kids

ا طرح نو | هنوز آتش انقلاب داغ بود که جنگ آغاز شد. بچه‌هایی که تا پیش از این از اختلافات طبقاتی و رژیم سرنوگون شده شاه می‌شنیدند، کم‌کم وارد دریایی از مفاهیم تازه شدند. مفاهیمی که ذهن و دیدگاه آنها را نسبت به دنیای پیرامون و وقایع جاری در جامعه شکل می‌داد و همچنین در روایاها و نوشته‌هایشان نمایان بود. جنگ، راه و رسم زندگی بچه‌هایی را عوض کرد که حالا پدر و مادراتی هستند و دارند به بچه‌های خودشان راه و رسم زندگی یاد می‌دهند.

در این دوره چند مجله و موسسه انتشاراتی به ثبت خاطرات جنگ از در پیچه نگاه کودکان پرداختند. چه آن کودکانی که در جنگ حضور داشتند و به‌طور مستقیم بر زندگی‌شان اثر گذاشته بود و چه بچه‌هایی که در شهرهای غیرمرزی زندگی می‌کردند و جنگ و دشمن را از شنیده‌ها می‌شناختند. یکی از اولین نشریاتی که با دستنوشته‌های بچه‌ها از جنگ ایران و عراق منتشر شد، «جنگ به روایت بچه‌ها» بود که نشر قنفوس آن را منتشر کرده بود. این نشریه

یازدهمین شماره کتاب کودکان و نوجوانان بود که پیش از این نیز با موضوعات دیگر منتشر می‌شد. این جنگ به همت علی‌اشرف درویشیان گردآوری و در سال ۶۰ منتشر شده است. جنگ به روایت بچه‌ها، علاوه بر این که روزنگاری‌های واقعی کودکان و نوجوانان است و سندی تاریخی دارد، از این جهت که در سال‌های اول جنگ جمع‌آوری شده، حاوی نکات مهمی است. با قرار دادن این مجموعه در کنار مجموعه‌های دیگر که در سال‌های بعد منتشر شد می‌توان سیر تکوینی نگرش به جنگ و دشمن را در نگاه بچه‌ها مورد مطالعه قرار داد.

«جنگ به روایت بچه‌ها» می‌خواهد با منتشر کردن خاطرات بچه‌ها از جنگ، روحیه آنها را تقویت کند. این که کودکان از تجربیات یکدیگر در نقاط مختلف مرزی که درگیر جنگ هستند با خبر شوند و بدانند که تنها آنها نیستند که بر

انز جنگ صدمه دیده‌اند. سال ۶۰ است و مدت زمان زیادی از شهادت حسین فهمیده نگذشته. پس عجیب نیست که مقدمه این کتاب، با یاد از حسین فهمیده همراه باشد: «اختصاص این شماره به جنگ تحمیلی به این خاطر است که کودکان و نوجوانان مادر تمام جبهه‌های جنگ به فداکاری و از خود گذشتگی مشغولند. نوجوانانی چون حسین فهمیده در جبهه‌های جنگ حماسه آفریدند و شهید شدند.»

مطالعه داستان‌ها و خاطرات بچه‌ها از حمله عراق و صدمات جنگ، خواننده را به چند مسأله مهم می‌رساند. رویکرد ضدآمریکایی تقریباً در همه نوشته‌ها و مقایسه ایران با فلسطین نیز در بیشتر آنها بخشی از دلنوشته‌های کودکان و نوجوانان را تشکیل می‌دهد. اما آثار جنگ در نظر کودکان و نوجوانان، اغلب در آوازی خلاصه می‌شود و سخن از مرگ نه به شکل شهادت

نگاه به جنگ در دستنوشته‌های بچه‌ها

دوستان و آشنایان بلکه به صورت مرگ اتنبوه مردم است. در معدود نوشته‌هایی که از شهادت یکی از آشنایان یا دوستان به‌طور تشریحی یاد می‌شود، می‌توان به نوشته «خاطراتی از جنگ» اشاره کرد. در این خاطره، کودک یا نوجوانی اهل اسلام‌آباد غرب از شهادت حسن کارگر این‌طور می‌گوید: «گفت: حسن شهیده شده، نمی‌توانستم باور کنم. حسن، کارگر ساختمانی بود، او در تمام تظاهرات ضد رژیم طاغوت نقش بسزایی داشت و هر جا که صحبت از مبارزه علیه ظلم و ستم بود، او هم حاضر بود. او در آگاهی دادن به مردم زحمتکش و کارگران دیگر شرکت داشت و اکنون به قصد کمک به محل بمباران دویده بود که مورد اصابت ترکش قرار گرفته و شهید می‌شود. راه او راه زحمتکش است. همین کودک در انتهای نوشته خود می‌گوید که انقلاب از آن زحمتکشان است و پاسداری از انقلاب و خون شهدا، وظیفه آنان است.

ادامه در صفحه ۱۱

زمانی که اولین کودک برای نخستین بار لبخند زد، خنده‌اش شکست و به هزاران قطعه تقسیم شد، قطعاتی که شروع به پرواز کردند و چنین بود که دنیای پریان پدید آمد.

جی.ام.بری (برگرفته از کتاب پیتربین)

این روزها خبر کشتار، جنگ، حمام‌خون، تعصبات قومی و مذهبی، فقر، نفرت، تندروی‌های ایپینی، تمامیت‌خواهی، بی‌سوادی و خشونت در منطقه ما (خاورمیانه) بیدار می‌کند. چه بر سر این قسمت از جهان آمده است؟ کشتار بی‌امان مردم غزه به‌ویژه کودکان، زنان و دخترگانی که دوشادوش مردان در کوبانی علیه داعش در حال جنگند، هواپیمایی که با قهر منفجر می‌شود، خانه‌هایی که در عملیات تروریستی در عراق و سوریه ویران می‌شوند، طالبانی که همچنان وحشت بر دل مردمان افغان می‌افکند و برادران و همسایگانی که در پاکستان بر سر تما میّت خواهی‌های مذهبی یکدیگر را از بین می‌برند. بهتر است هرچه سریع‌تر در هیاهوی

زندگی روزمره مسلمان اندکی درنگ کنیم، خطر نزدیک است. باید جست‌وجو کرد، تا ز همه گیر شدن فاجعه بتوان جلوگیری کرد، باید پرسید چرا؟! چرا در همسایگی و در منطقه ما چنین هیاهویی برپاست؟ در منطقه‌ای که سالیان سال است با قدمت تاریخی و تمدن‌های کهن و چه و چه‌اش می‌نازد؟ همسایگان ما را چه می‌شود؟ خاورمیانه را چه می‌شود که چنین به مرگ و نیستی کمر بسته‌است!

خاورمیانه در آتش و خون شعله‌ور است و در این میان واژه صلح به شوخی‌ای ساده‌لوحانه می‌ماند. در خاورمیانه ماساز کودکی بذر نفرت از دیگری و دیگران در دل‌ها و ذهن‌ها کاشته می‌شود، آنگونه که هیچ نوع تفاوتی برتابیده نمی‌شود. در خاورمیانه «مرگ‌بَر» قوم‌های دیگر، مذاهب دیگر، جنس دیگر و باورهای دیگر گونه صدر گفتار است. چیزی که بیش از کشتار وحشیانه مردم غزه هراس‌آباد می‌کند، نفرتی است که در عمق دل و جان مردمان این منطقه به حق یا ناحق ریشه دوانده است. در خاورمیانه جنگ‌زده کودکان از بدو تولد با امنیت و آرامش بیگانه‌اند و در آوازی، وحشت و گرسنگی بدون برآورده شدن ابتدایی‌ترین نیازهایشان با نفرت بزرگ می‌شوند. چنین حجمی از خشونت تصویری ناامیدکننده از آینده به نمایش می‌گذارد، فردایمان بهتر از امروز نخواهد بود. با کودکانی همه سَر نفرت و

درد اما دیدن کودکانی که بر ویرانه‌های غزه در اوج جنگ با هم بازی می‌کنند و می‌خندند، تصویر کودکانی که در اردوگاه‌ها در اوج فقر به دنبال اسباب‌بازی یا کتاب می‌گردند، داستان دیگری می‌گوید، که امید هر چند کوچک، هنوز هست، که فردایمان می‌تواند بهتر از امروزمان باشد چون هنوز کودکانی هستند که بازی می‌کنند و می‌خندند.

امروز دیگر جمله «صلح را باید از کودکی آموخت»^۱ شعاری خوشایند نیست، ضرورتی انکارناپذیر است برای برون‌رفت از چرخه خشونت در منطقه‌ای که هنوز هم در آن با شادمانی مراسم اعدام را به تماشا می‌نشینیم و سنگ اول را برتاب می‌کنیم، برای معلولان کوچکترین حقی قابل نیستیم و نژادپرستی در عمق جانمان ریشه دوانده است. سال‌ها پیش، پس از پایان جنگ جهانی دوم اروپا نیز دچار چرخه‌ای از خشونت و ناامیدی بود که چندان دور از وضعیت کنونی خاورمیانه نبود، در آن دوران که هیچ امیدی برای مردمان گرسنه و جنگ‌زده نبود و همه به دنبال لقمه‌ای

در باب صلح و ادبیات کودک

نان بودند، دقیقاً در همان دوران مردمانی صلح‌جو و آینده‌نگر در یافتند که برای برون‌رفت از این چرخه کشتار و ویرانی باید نسلی امیدوار و صلح‌جو پرورش داد. مردمانی بزرگ چون پلا لیمِن (بنیانگذار دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان IBBY) باور داشتند که کتاب‌ها و قصه‌ها می‌توانند در ذهن و ناخودآگاه مخاطبان درک متقابل و مدارا ایجاد کنند، آنها باور داشتند که ادبیات کودک می‌تواند پلی باشد میان ملت‌ها و باورها. فرهنگ صلح یعنی احترام به تفاوت و تغییر و چه راهی بهتر از آموزش غیرمستقیم تفاوت‌ها و حقوق افراد جز ادبیات کودکان و در سنین کودکی. البته فرهنگ‌سازی نیاز به نگاه روشن علمی - اجتماعی و برنامه‌ریزی روشمند، جامع و بلندمدت دارد. با این وجود یکی از راه‌هایی که می‌توان فرهنگ صلح را از طریق آن میان نسل جوان گسترش داد، ادبیات ناب و مناسب است. کتاب‌های کودکان می‌توانند مستقیماً آموزش دهنده مفاهیم صلح باشند یا در خلال داستان‌هایی جذاب و چالش‌برانگیز مخاطب را درگیر دوراهی‌های اخلاقی و مصادیق صلح کنند. با مطالعه ادبیات ناب، بخشش، پذیرش تفاوت‌ها، پذیرش نظرات مخالف، ایستادن در برابر بی‌عدالتی و قلندری و... در ذهن و ناخودآگاه کودک رسوب کرده و نهاده‌ای خواهد شد. با این که بیش از ۶۰ سال از عمر دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان می‌گذرد و ۷۷ کشور عضو این دفتر هستند و در تلاش برای رسیدن به اهداف والای بنیانگذاران، هنوز تا رسیدن به جهان آرمانی لیمن یعنی جهانی بدون خشونت و کودکانی شاد و آزاد، راه بسیار است.

یکی از مهم‌ترین رسالت‌های ادبیات کودکان، گسترش فرهنگ نועدوستی و صلح است و یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای نویسندگان، ایجاد احساس و تاثیر پایدار مفهوم صلح در ذهن خوانندگان جوان. ادبیات کودکان، مخاطب را با دشواری‌های جهان امروز و مسئولیت‌هایش نسبت به محیط پیرامون و طبیعت آشنا می‌کند، ادبیات کودکان امروزه تنها قصه‌های زیبایی پریان با پایان‌هایی خوش و افسانه‌ای نیست، بلکه بسیاری اوقات واقع‌گرایانه بازتاب دهنده رنج‌ها، تجاوزها، تحقیرها و تبعیض‌هایی است که دنیای کودکان را فرا گرفته و در عین حال روش‌ها و راهکارهایی برای مواجهه با ناملایمات پیش‌روی مخاطب می‌گذارد. ادبیات ناب کودک مروج امید و دنیای بهتر است و چه پیامی بیش از این جان‌دردمند خاورمیانه‌رامی‌تواند تسکین‌بخش.

راه دوری نرویم؛ در همین کشور عزیز خردمان ایران، رسانه‌های صوتی و تصویری مملو از خشونت‌های بصری و کلامی‌اند. یاد گرفتیم به حقوق اولیه هم احترام نگذاریم، اصولاً از حقوق خود و دیگران اطلاع روشنی نداریم. خود را مرکز جهان می‌دانیم و کودکانمان را با چنین تصور خامی بزرگ می‌کنیم، کتاب‌های درسی‌مان مملو از توهین‌ها است. نظام آموزش و پرورش‌مان نظامی بسته است و کودکان پرورش یافته در این نظام غالباً تبدیل به دیکتاتورهایی کوچک در محیط‌های کاری یا زندگی شخصی می‌شوند. نظام آموزشی‌ای که در آن از کار گروهی، تحمل و مدارا اثری نیست، همچنان رقابت بر سر نمره و کتک‌ور بیماری‌ای فراگیر است که برای درمانش باید سالیان سال تلاش کرد. نظام آموزشی که در آن کودکان با حجم انبوهی از محفوظات بمباران می‌شوند و به افسردگی منفعّل و پذیرنده تبدیل می‌شوند.

ادامه در صفحه ۱۰

یادداشت